

ميزان مسؤليت مجرمين

همانگونه که شاه با کمک عمال خارجی و داخلی از قبیل بعضی از امرای ارتش و شهربانی و چاقوکشان و بی‌مخان برای حفظ مقام سلطنت و تأمین منافع فارتگران بین‌المللی و داخلی بتوطئه پرداخت و با ایجاد بلوای مفتضح بیست و هشت مرداد ملت را منکوب و پایه‌های مجدد دیکتاتوری را مستحکم نمود بدینگونه که با کمک عمال ساواک کثیف‌ترین افراد را (یعنی آنانکه در مقابل شهوت، ثروت و منزلت و یا بتعمیر دیگر زن، پول، مقام، شرف و حیثیت انسانی را فروختند) انتخاب و عده‌ای را برای وکالت مجلس شورا و سنا و گروهی را برای مقامهای وزارت و حتی دادستانی کل و جزء و ریاست دیوان کشور و بنیان‌گذاران حزب منفور رستاخیز برگزید و همگی باتفاق اصل تفکیک قوا و قانون اساسی را برهم زدند و مملکت را بنخون و آتش کشیدند و همگی مسؤلیت مشترک دارند همانگونه هم حضرت خمینی رهبر آزادگان کلیه ستم‌دیدگان را اعم از استاد و دانشجو، بیسواد و پاسواد، کارگر و کشاورز، متدین و ملحد، چپ و راست، پیر و جوان، تاجر و کاسب، کارمندان دولت و صاحبان مشاغل آزاد و بالاخره کلیه قشرهای اجتماعی را بدور خود متبلور نمود و همگی جمماً علیه شاه و عمال وی به‌ستیزه برخاستند و پایه‌های تخت سلطنت را فرو ریختند و موفق شدند لاجرم افتخار این پیروزی نیز نصیب همگان است.

دسته اول در تنگ برافراشتن کاخ ظلم و جنایت و نقض قانون اساسی و کشتار ملت و تاراج بیت‌المال شریکند و دسته دوم در افتخار توفیق انقلاب، باری اکنونکه ملت ایران پیروز گردیده و روز حساب فرا رسیده است بایستی ببینیم که اولاً از نظر اصول کیفری نحوه جرایم اینان چگونه است و آیا شخص یا اشخاص معینی مسؤلند یا اینکه جرم جمعی و مربوط به رژیم است ثانیاً در چه

دادگاهی بایستی تعقیب شوند ثالثاً برای جلوگیری از این جرائم چه تدابیری باید اندیشید.

نکاتی که در بادی امر ذکر آن ضرورت دارد این است که متأسفانه باید گفت قانون کیفری ما همچون سایر نهادها فقط بمنظور حفظ دستگاه استبداد و سلطنت مطلقه و ابقای رژیم زورگویی و تسهیل غارت و چپاول و ترویج فساد وضع و تنظیم گردیده و آنجا هم که امکان تعقیب مجرمین درجه دوم و سوم فراهم بوده قوه مجریه با دخالت در سایر قوا و بکارگماردن عاملین مطیع و متملق و فاسد امکان تعقیب ایشانرا از بین برده است - علیهذا بین طبقه هیئت حاکمه و مردم همان رابطه حاکم و محکوم برقرار بود یعنی دسته اول از تعقیب مبرا و دسته دوم بمنواین مختلف قابل تعقیب و کیفر بوده‌اند از این گذشته با تغییر نهادهای قانونی، پلیس که از جمله ضابطین دادگستری بود نه تنها از طرف محاکم عمومی قابل تعقیب نبود بلکه گرایش او بر ارتکاب جرائم ادعائی علیه مردم وحی منزل تلقی میشد.

نکته دیگری که قابل توجه است این است که بنا بر طبع قانون اساسی و بنیادهای آن که شاه سلطنت میکند نه حکومت و همچنین توجه باصل تفکیک قوا وی هیچگونه مسؤلیتی در برابر مجلسین و مردم ندارد پس وقتی علی‌رغم این اصول شاه با حمایت ارتش و شهربانی شالوده قانون اساسی را بکمک دستیارانش که همان وکلا، سناتورها و وزراء میباشند درهم ریخت. وی جنایتکار بزرگ و دیگران شریک ویند و با توجه باین نکته اصولی است که باید گفت مسؤلیت ایشان جمعی و ساخت و یافت جرم پیوسته و ارتباط بین جنایتکاران متصل و ناگسسته است و تفکیک مجرمین از یکدیگر و یا خدای ناکرده تبعیض در تعقیب و برگزیدن بعضی و کنار گذاردن بعضی دیگر برخلاف وجدان و عدالت و قانون و اصول مسلم کیفری است.

اما برخلاف آنچه مردم تصور میکنند که میزان مسؤلیت قوه مجریه و وزراء بیشتر است و تاکنون هم سمی بر این بوده که وکلا را از تعقیب مصون دارند و شاید هم میخواسته‌اند که برای اسکات مردم فقط عده معدودی را تعقیب و بقیه را معاف نمایند خاصه که ریش وضع و تصویب قانون دست نمایندگان بوده و ایشان هیچگاه حکم محکومیت خود را صادر و تصویب نمینمایند از نظر ترتب منطقی و نحوه تکوین و تحقق جرم، جرم وکلای مجلسین از همه شدیدتر است چه اینان بودند که برخلاف اصل آزادی انتخاب و با تظاهر به آزادی و کتمان جرم تدلیس و نقض قوانین انتصابات دستگاه سلطنت را قبول و برای برافراشتن کاخ دیکتاتوری و خفقان ملت اولین سنگ بنای ظلم را بر زمین نهادند و سپس هر که را که شاه بمنواین نخست‌وزیر و وزیر معرفی کرد مثل دستگاه ضبط صوت عیناً قبول نموده و ثبت کردند - این وکلای ملی از نظر صورت هم که باشد بقول خودشان خالقند و دولت مخلوق پس حالا چرا خالق از تعقیب معاف باشد؟

اما گناه ایشان از گناه وکلای زمان رضاشاه شدیدتر است چه شاه سابق لااقل

حفظ ظاهر میکرد و هرچه را با تصویب مجلسین عمل مینمود ولی بعد از بیست و هشت مرداد فرزندش بدون تصویب مجلسین میلیاردها تومان بیت‌المال مملکت را حتی گاهی مفت و مجانی بابر قدرتها و ساکنان قاره سفید و سیاه می‌بخشید و ایشان دم برنیاوردند. - خدا عمر بدهد نویسنده توفیق را که گفت فرق بین وکلای عدلیه و وکلای مجلسین این است که اولی پول میگیرد که حرف بزند و دومی پول میگیرد که حرف نزند حال بی‌مناسبت نیست که یادی از ایشان بنمائیم و بدعاگوئی مشغول شویم.

لئن الله امة قتلتك و لئن الله امة ظلمتك و لئن الله امة سمعت بذلك و رضيت به.
این آقایان جنایات ساواک را دیدند و شنیدند ولی چون فریاد و فغان اسیران و مظلومان، یتیمان و شوهرکشتگان پرده صماخ گوش ایشانرا پاره کرده بود دیگر نمی‌شنیدند و دم برنمیاوردند ولی بمحض آنکه بقول معروف زمین نفسی کشید و هوا را پس دیدند بعضی از ایشان که هشیارتر و مکارتر بودند دم از آزادی زدند و صف انبیا را پیش و پس زده دکان اقلیت را ساختند ولی بدانید آقایان عزیز مردم دیگر گول نمیخورند شما با این زبان‌بازها از مجازات معاف نمیشوید، شما همگی ساخته و پرداخته دست اهریمن قدرت و کلا از يك قماشید مخصوصاً که در مجلس آخر هم همه مخلوق گروه جنایتکاران یعنی حزب رستاخیز بودید اول عتبه بوسیدید و سپس داخل جرم شدید در بین شما هم رئیس کانون وکلانی بود که اول بسید ضیا و سپس بمصدق و آخر بار بشاه تعظیم کرد ولی آنگاه که اربابش رفت برای تمهید مقدمه جنایات دیگر اول از ساواک یعنی خالق خود بدگوئی و سپس از مجلس سنا استعفا کرد. آخر او هم میتواند بگوید تنافر و تناقض اصول حزب رستاخیز را با قانون اساسی دریافته یا آن قاضی که رئیس شعبه تمیز است چگونه ریاست حقوق‌دانان حزب را قبول و دولت را همه‌جا در آرایش حاکم میدانسته است؟ خدا بیامرزد متفکرین و شعرائی ما را که چندین قرن پیش، پیش‌بینی حزب رستاخیز را کردند و با بیانی رسا و گویا سرودند:
سنان بر سینه‌ها سر تیز کرده جهان را روز رستاخیز کرده
و یا:

پیاله در گفتم بند تا سحرگه حشر به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز
حالا باید گفت که با توجه باصل اشتراك جرائم مسؤلیت کیفری وزرا هم روشن است و اتفاقاً خود هویدا هم در بیاناتش بدین کیفیت اقرار نموده و در تحقیقاتش گفته است که رژیم مسؤل است ولی این مرد حقه‌باز چنین میپندارد که با این بیان از مجازات معاف میشود. آقای هویدا شما که فرنگ رفتید بهتر از من میدانید که توطئه و مواضعه و اجتماع مجرمین برای ارتکاب جرائم آنهم برافکندن اساس حکومت مشروطه و تقویت بنیان سلطنت از ارکان تشدید جرم است نه تحضیف پس دیگر باز هم گول نزنید و کتمان حقیقت ننمائید!

اما بمقیده من برای اینکه گرفتاری دادگاه کمتر شود قدری نسبت بگذشته

افاض کنیم و مبدأ تاریخ تعقیب را از بیست و هشتم مرداد ببعد قرار دهیم این جماعات همگی باید حداقل اموالشان مصادره و از کلیه حقوق اجتماعی محروم شوند. و اگر هم در بین ایشان اضافه بر آن در ارتکاب جرائم قتل و شکنجه افراد و یا سوء استفاده از بیت‌المال اشخاص بالمباشره و با شرکت اقدام نموده‌اند علاوه بر جرائم عمومی بمجازات جرائم خاص نیز محکوم گردند.

اما مساله صلاحیت - بعقیده من چون محاکم ما بلحاظ ضعف قوه قضائیه امکان تعقیب را نداشت و آقایان دادستان کل هم که طبق قانون وظیفه تعقیب داشتند فقط بدریافت حقوق و مزایا و تفاخر مقام اکتفا نموده و نه تنها سکوت اختیار کردند بلکه با امضا و تصویب خود نسبت بارتکاب اغلب جرائم هم صعه گذاردند و بملاوه واژگونی رژیم استبداد اصولاً مرهون انقلاب و ریختن خون خلق است نه مرهون عمل محاکم فقط دادگاه خلق و شورای انقلاب حق رسیدگی و تعقیب و صدور حکم و اجرای آنرا دارد - در اینجا بمن‌خرده نگیرید که من با تشکیل دادگاههای اختصاصی موافقم علت اختصاص غیرعادی بودن وضع زمان و سعی در حفظ آثار انقلاب است و چنانکه گفتیم سقوط رژیم مخلوق انقلاب است نه عمل محاکم.

باشد که در قانون اساسی جدید مواد صریح روش، گویا و شدید نسبت بجلوگیری از اینگونه جرائم پیش‌بینی شود و این قانون با نظر حقوق‌دانان کشور تنظیم گردد.


